

لایحه ایرادات خرده‌مالکان بر اصلاحات ارضی

عدالت عزت‌پور^۱

مقدمه

اصلاحات ارضی یا الغای نظام ارباب - رعیتی عبارت است از تغییرات اساسی در میزان و نحوه مالکیت اراضی، به ویژه اراضی کشاورزی و مراتع، به منظور افزایش بهره‌وری عمومی جامعه. اصلاحات ارضی در ایران به طور جدی در دوران محمدرضا شاه، با تصویب قانون اصلاحات ارضی، طی سه مرحله به اجرا درآمد. در این مقاله تاریخی مختصری از اصلاحات ارضی و همچنین اشکال مالکیت ارضی قبل از اصلاحات ارضی در ایران عرضه می‌شود، و سپس سندی که در واقع، نامه‌ای است از سوی عده‌ای از خرده مالکان بر ایرادات لایحه اصلاحات ارضی، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

اصلاحات ارضی در ایران

اصلاحات ارضی در ایران، نخستین بار، در جریان انقلاب مشروطه (۱۲۸۴ - ۱۲۹۰ ش) در سطح عمومی مطرح شد و جزو برنامه‌های برخی از احزاب این دوره گردید. چنان که این امر یکی از اصول اولیه جمعیت اجتماعیون بود که در سال ۱۲۸۶ ش تشکیل شده بود.^۲ همچنین یکی از برنامه‌های حزب دموکرات بود، که در سال ۱۲۸۷ ش تشکیل شده بود. به طوری که این برنامه در ماده هفدهم مرامنامه فرقه دموکرات گنجانده شده بود.^۳ همچنین در مجلس دوم مطرح شد که اعضای آن طرفدار اصلاحات بودند. اما جناح

۱. کارشناس ارشد تاریخ دوره اسلامی.

۲. رواسانی، شاپور. نهضت میرزا کوچک خان و اولین جمهوری شورایی در ایران، نشر شمع، تهران: ۱۳۶۷، ص ۷۴.

۳. اتحادیه، منصوره. مرامنامه‌ها و نظام نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره مجلس شورای ملی، نشر تاریخ،

دموکرات در مجلس، حزب اقلیت محسوب می‌شد؛ از این رو امکان تحقق ایده‌های آنان برای اصلاحات محدود بود. گذشته از آن، وجود مشکلات سیاسی بعدی که حاصل مداخله انگلیس و روسیه تزاری در ایران بود، آن‌ها را از تهیه طرحی قانونی برای اصلاحات ارضی بازداشت.^۱

گرچه حزب دموکرات به هدف‌های تعیین شده خود، در زمینه تقسیم اراضی دست نیافت، اما در این میان بعضی افراد، حداقل به طور موقت، در پیشبرد اهداف خویش در طول جنگ جهانی اول توفیق یافتند. در این میان، جنبش جنگل به ویژه از نقطه نظر فعالیت‌هایی مورد توجه است که به نفع روستاییان انجام دادند. نهضت جنگل در برنامه و خط مشی خود، بر ضرورت کنترل املاک دولتی و ضبط موقوفات، توسط دولت برای مصارف عمومی و خیریه تأکید می‌کرد. حتی در بند سیزدهم مرام‌نامه‌ای که از آن‌ها باقی مانده و مشی سیاسی و هدف اصلی جنگلی‌ها را می‌توان از طریق آن شناخت، چنین نوشته شده است: «مالکیت اراضی با ملاحظه تأمین معیشت عمومی تا حدی تصدیق می‌شود که حاصل، عاید تولید کننده شود.»^۲

در عمل نیز، نهضت جنگل املاک وسیعی را که توسط شورشیان گیلان به تصرف درآمده بود میان رعایا تقسیم می‌کردند. علاوه بر این کمیته‌های متعددی برای رسیدگی به درخواست‌های دهقانان و تحقق خواسته‌های آنان تشکیل گردید. چنانچه سهم زارع را از محصول افزایش دادند، از خدمات اجباری زارعان کاستند، پرداخت عوارض جنسی را لغو و به دعاوی زارعان علیه مالکان رسیدگی کردند و حتی دهقانان را به جرگه‌های خویش پذیرفتند. خود جنگلی‌ها نیز، در برابر مواد غذایی که از روستاها می‌گرفتند پول می‌پرداختند، و حتی طرفداران ثروتمند خود را ترغیب می‌کردند که آزادانه بخشی از املاک خود را در اختیار روستاییان قرار دهند و میان دهقانان قسمت کنند.^۳

اقداماتی که جنگلی‌ها اجرا می‌کردند در واقع گامی به سوی اصلاحات ارضی بود؛ اما میرزا کوچک‌خان، ضمن آنکه از اصلاحاتی حمایت می‌کرد که هدفش بهبود شرایط زندگی دهقانان بود، ظاهراً با هر نوع برداشت کلی از تقسیم اراضی مخالف بود.^۴ به هر حال بعد از سرکوبی قیام جنگل، سر میرزا کوچک‌خان به تهران فرستاده و برای هشدار به مخالفان در معرض تماشای عمومی گذاشته شد.^۵ بدین ترتیب، بیشتر کارهایی که جنبش در زمینه اصلاحات ارضی انجام داده بود ملغی گردید و از بین رفت.

بعد از قیام جنگل، در دوران بعد از کودتای رضاخان، سید ضیاء معتقد بود ایران بایستی خود را نجات دهد. پیشنهاد او برای تجدید حیات ایران عبارت بود از احیای کشاورزی و صنعتگری. به همین منظور

تهران: ۱۳۶۱، ص ۵۶.

۱. هوگلاند، اریک. ج. زمین و انقلاب در ایران، ترجمه فیروزه مهاجر، نشر و پژوهش شیرازه، تهران: ۱۳۸۱، ص ۷۷

۲. فخرائی، ابراهیم. سردار جنگل، انتشارات جاوید، تهران: ۱۳۵۷، ص ۵۷.

۳. هوگلاند، پیشین، ص ۷۸؛ از غندی، علیرضا. تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، انتشارات سمت، تهران: ۱۳۷۹، ص ۱۶۸.

۴. هوگلاند، پیشین، ص ۷۹.

۵. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: فخرائی، پیشین، ص ۳۹۱-۳۸۱.

برنامه‌هایی پیشنهاد کرد که در زمینه کشاورزی، زمین بایستی با عدالت و انصاف بیشتری تقسیم شود. وی معتقد بود با دادن زمین به صاحبان واقعی‌شان بازده تولیدات کشاورزی بالا می‌رود، زیرا مالکان جدید تلاش بیشتری در جهت تولید خواهند کرد.^۱

برنامه‌های سید ضیاء که تقسیم اراضی میان روستاییان و ایجاد تغییراتی در نظام سهم‌بری به نفع زارعان را در بر می‌گرفت، در واقع برای حکومت ایران در سال ۱۳۰۰ش بسیار رادیکال محسوب می‌شد. وی به‌ویژه خواستار انتقال همه زمین‌های دولتی (خالصه) به زارعان بود، درست زمانی که تمام توجه رضاخان معطوف به صنعت بود و طبیعتاً رضاخان در مورد کشاورزی با سید ضیاء هم عقیده نبود. بنابراین وقتی سید ضیاء از حکومت کنار گذاشته شد نقشه‌ها و برنامه‌هایش نیز کنار گذاشته شد و از میان رفت.^۲

در طول سلطنت رضاشاه نیز علاوه بر اقداماتی که برای بالا بردن کیفیت فرآورده‌های کشاورزی انجام گرفت، در نظم تازه رضاشاهی به اصلاحات ارضی توجه زیادی نشد؛ در حالی که توجه بیشتر دولت، معطوف به کارآیی کشاورزی و ایجاد شرایطی بود که بیشتر به سود زمینداران باشد تا زارعان. چنانچه هدف از قانون توسعه اراضی، مصوب ۲۴ آبان ۱۳۱۶ش، ترویج و توسعه کشاورزی و حداکثر استفاده از زمین و مسؤلیت قانونی مالکان بود.^۳ خود رضاشاه نیز که تا ۱۳۲۰ از سلطنت برکنار شد، از طریق امکانات قانونی و غیر قانونی خود، نزدیک به دو هزار روستا را مالک شد یعنی سالانه صد روستا را تصاحب کرد و به بزرگترین مالک غایب در سراسر کشور تبدیل شد.^۴

در دهه نخست پادشاهی محمدرضا شاه، فرقه دموکرات آذربایجان، در آبان و آذر سال ۱۳۲۴ش حکومت‌های محلی را به دست گرفت و در تبریز اعلام خودمختاری کرد.^۵ فرقه دموکرات در بدو تشکیل خود، ضمن سرزنش حزب توده ایران به علت تشدید اختلاف بین زارع و مالک، حل عادلانه اختلافات موجود بین مالک و رعایا را از راه صلح و سازش در پیش گرفت. در اوایل مهرماه ۱۳۲۴ برای رفع اختلافات دهقانان و مالکان، چند نفر را تعیین کردند تا به معیت مسئولان دولتی و عده‌ای از مالکان، کمیسیونی تشکیل داده، راه حلی پیدا کنند که مورد توافق طرفین باشد. مذاکرات این کمیسیون منجر به صدور بخشنامه‌ای شد که اجرای آن به استناداری واگذار شد. ولی در عمل اکثر مالکان راضی به اجرای مفاد این بخشنامه نشدند و به کمک امنیه به جان دهقانان افتادند.^۶

۱. آوری، پیتر. تاریخ معاصر ایران، ج ۱، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، تهران: ۱۳۶۸، ص ۴۵۳-۴۵۲.

۲. هوگلاند، پیشین، ص ۸۱.

۳. آوری، پیشین، ج ۲، ص ۱۲۱-۱۲۰.

۴. هوگلاند، پیشین، ص ۸۲.

۵. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: حسنلی، جمیل. فراز و فرود فرقه دموکرات (به روایت اسناد محرمانه آرشیوهای اتحاد جماهیر شوروی)، ترجمه منصور همای، نشر نی، تهران: ۱۳۸۶.

۶. گذشته چراغ راه آینده است، پژوهش گروهی جامی، انتشارات نیلوفر، تهران: ۱۳۶۲، ص ۳۴۸.

۲۶ دی ماه ۱۳۲۴ سندی با عنوان «خواست‌های خلق آذربایجان» به امضای پیشه‌واری، شبستری، پادگان، بی‌ریا، و جاوید تهیه و تنظیم شد. در این سند امکان تشکیل جمهوری مستقل ملی و دموکراتیک در آذربایجان، براساس دوازده اصل، بررسی شده بود. در بند هفتم این سند، به اصلاحات ارضی و تقسیم زمین میان دهقانان پرداخته شده بود.^۱ همچنین، مجلس ملی آذربایجان در اجرای برنامه دولت، قانون مربوط به تقسیم اراضی را در تاریخ ۱۳۲۴/۱۱/۲۷ تصویب کرد.^۲

روز ۲۵ فروردین ۱۳۲۵، برای اولین بار در کشور، کنگره دهقانان آذربایجان با شرکت بیش از ششصد نفر نماینده در تبریز افتتاح شد. کنگره، مذاکره و اتخاذ تصمیمات لازم برای برقراری روابط عادلانه بین مالک و رعیت، و بالا بردن میزان محصولات کشاورزی را در برنامه کار خود قرار داد. از طرف دیگر مجلس ملی آذربایجان، در آستانه تشکیل کنگره دهقانان، قانون مربوط به نحوه پرداخت بهره مالکان از محصولات کشاورزی را تصویب کرد.^۳ اگرچه هزاران زارع از این قانون نفع بردند، رهبران فرقه دموکرات آذربایجان که با مالکان همکاری داشتند فقط املاکی را مصادره کردند که به مالکان غیر آذربایجانی تعلق داشت (۶۸۷ روستا از کل هفت هزار روستا).^۴

اگرچه در زمینه اصلاحات ارضی، در مدت کوتاهی که فرقه بر سر کار بود، کارهایی صورت گرفت با سرکوبی و از میان رفتن فرقه دموکرات آذربایجان در آذر ماه ۱۳۲۵،^۵ قانون اصلاحات ارضی آن حکومت ملغی شد و کارهای صورت گرفته نیز از بین رفت.^۶

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محمدرضا شاه به محض آنکه موقعیت خود را استوار ساخت متوجه دو هدف داخلی شد. وی از لحاظ سیاسی امیدوار بود قدرت خود را با تحکیم موقعیت حامیان خویش تضمین نماید و در زمینه اقتصادی نیز می‌خواست ایران را طبق الگوی سرمایه‌داری به پیش برد. به همین دلیل محمدرضا شاه امیدوار بود از طریق مطرح کردن اصلاحات اجتماعی که جبهه ملی و دیگران مدافعش بودند در دید عامه، به استبداد خود مشروعیت بخشد. بنابراین از سال ۱۳۳۰ از مالکان بزرگ خواست که زمین‌های خود را میان رعایا تقسیم کنند و به اصطلاح از حرکت خود شاه پیروی کنند که در ۱۳۳۰ آغاز شده بود و در بهمن ۱۳۳۰ فرمان فروش دو هزار روستای خود را به دهقانان صادر کرده بود. اما هنگامی که سیل انتقادات مالکان و عوامل آنان آغاز شد، از دنبال کردن فعالانه این موضوع دست برداشت.^۷ چنانچه پیداست، محمدرضا شاه در طول دهه ۱۳۳۰ متقاعد شده بود که اصلاحات ارضی ضروری است.

۱. حسنی، پیشین، ص ۱۲۰-۱۱۹.

۲. گذشته چراغ راه آینده است، پیشین، ص ۳۴۹.

۳. همان، ص ۳۵۳.

۴. هوگلاند، پیشین، ص ۸۵.

۵. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: حسنی، پیشین، ۲۱۲-۱۹۷.

۶. هوگلاند، پیشین، ص ۸۵.

۷. همان، ص ۹۲-۸۷.

بدین ترتیب وقتی متقاعد شد که می‌تواند به وفاداری نیروهای امنیتی خود اعتماد کند و به تجربه وسیع‌تری در زمینه اصلاحات اجتماعی و اقتصادی دست بزند، به نخست‌وزیر خود توصیه کرد پیش‌نویس لایحه اصلاحات ارضی را برای ارائه به مجلس آماده کند.^۱

دکتر منوچهر اقبال نیز که در این زمان نخست‌وزیر بود در ۲۴ اسفند ۱۳۳۸ طرح اولیه اصلاحات ارضی را تسلیم مجلس کرد و نسخه نهایی این لایحه در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۹ از تصویب مجلس سنا و شورای ملی گذشت. بر اساس این لایحه حداکثر مالکیت اراضی آبی چهارصد هکتار و اراضی دیم هشتصد هکتار تعیین شده بود^۲ و آنچه به صورت مازاد برای مالک می‌ماند باید به دهقانان فروخته می‌شد.^۳ اما قبل از آنکه اقدامی برای اجرای این قانون شکل گیرد، تحولات سیاسی داخلی و به‌ویژه فتوای آیت‌الله بروجردی، مرجع تقلید وقت، که قانون مزبور را برخلاف شریعت اسلام و قانون اساسی اعلام کرده بود، کنار گذاشتن آن را به نفع قانونی مؤثرتر و مفیدتر ضروری ساخت.^۴

در این زمان معضلات اقتصادی و فشارهای خارجی حکومت محمدرضا شاه را بی‌ثبات ساخته بود. شمار اعتصابات عمده که در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶ از سه مورد بیشتر نبود، به بیست مورد در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰ افزایش یافت و در برخی موارد به رویارویی خونین بین اعتصاب‌کنندگان و نیروهای مسلح منجر شد. در این میان محمدرضا شاه، جعفر شریف‌امامی را که به حزبی وابستگی نداشت و از درباریان قدیم بود، به جای دکتر منوچهر اقبال به نخست‌وزیری برگزید. اما شریف‌امامی فقط نه ماه بر سر کار بود. زیرا نتوانست از امریکا کمک بگیرد و با بروز عواقب مشقت‌بار ریاضت اقتصادی بیش از پیش نامحبوب گشت.^۵ البته یادآوری این نکته لازم است که در ژانویه ۱۹۶۱ (۱۳۴۰) جان اف کندی از حزب دموکرات در امریکا به روی کار آمد و به کاخ سفید راه یافت. کارگزاران حزب دموکرات، پشتیبانی بی‌قید و شرط امریکا از دولت‌های غیر دموکراتیک از جمله ایران را به دلیل آسیب‌پذیری ساختار اجتماعی-سیاسی آن، و نیز هراس از رخنه کمونیسم به شدت محدود ساختند. دولت کندی درصدد بود با برنامه‌های مسالمت‌آمیز از بالا، انقلاب خشونت‌آمیز از پایین را مهار کند. لذا به منظور مصونیت رژیم‌های سیاسی هوادار غرب، برنامه‌هایی چون اصلاحات ارضی، بهبود نظام آموزشی، بهداشت، مسکن و توسعه صنعت در اولویت قرار گرفت و در صورت عدم موفقیت این برنامه‌ها دولت‌های تابعه می‌توانستند از نیروهای نظامی جهت آرام

۱. همان، ص ۹۳.

۲. امینی، علیرضا. تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، انتشارات صدای معاصر، تهران: ۱۳۸۶، ص ۲۵۱

۳. هوگلاند، پیشین، ص ۹۳.

۴. همان، امینی، پیشین، ص ۲۵۱. کدی، نیکی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، انتشارات قلم، تهران: ۱۳۶۹، ص ۲۳۶.

۵. آبراهامیان، یرواند. ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیرشانه‌چی، نشر مرکز، تهران: ۱۳۷۸، ص ۳۸۵.

ساختن توده بهره‌گیرند.^۱

به همین دلیل محمدرضا شاه، نخست‌وزیری را به دکتر علی امینی واگذار کرد که مورد حمایت و نظر امریکا بود، تا با دادن اختیار تام به او در کشور انقلاب کند و اصلاحاتی را که در ایران به بن‌بست رسیده بود مطابق نظر امریکا انجام دهد.^۲ علی امینی با تشکیل حکومت در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ وزارت کشاورزی را به حسن ارسنجانی، روزنامه‌نویس رادیکال محول کرد که از اوایل دهه ۱۳۲۰ مدافع اصلاحات ارضی بود.^۳ بدین ترتیب، اصلاحات ارضی توسط کابینه علی امینی و وزیر کشاورزی او، حسن ارسنجانی پیشنهاد شد و شورای وزیران با گذراندن تصویب نامه‌ای به اصلاح و توسعه قانون اصلاحات ارضی، مصوب ۲۴ اسفند ۱۳۳۸، پرداخت و در ۱۹ دی ماه ۱۳۴۰ قانون اصلاحات ارضی را، شامل ۳۵ ماده،^۴ به تصویب هیئت دولت رسانید تا به مرحله اجرا درآید.^۵

اشکال مالکیت ارضی در ایران

قبل از ارائه سندی که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، بهتر است به طور خلاصه اشکال مالکیت ارضی در ایران، قبل از اصلاحات ارضی شرح داده شود، تا بلکه راه‌گشای درک بهتر این سند باشد. قبل از اصلاحات ارضی در ایران، مالکان دو گروه عمده را تشکیل می‌دادند: گروه بزرگ‌مالکان یا عمده‌مالکان؛ و گروه خرده‌مالکان متشکل از افرادی که املاک آن‌ها بخشی از یک روستا بود. بزرگ‌مالکان یا عمده‌مالکان را می‌توان به سه دسته متمایز تقسیم کرد: ۱. مالکان منفرد ۲. نهادها ۳. اجاره‌داران.^۶ مالکان منفرد اغلب چندین روستا داشتند که در رأس این گروه و با فاصله نسبتاً زیادی از دیگران، شاه قرار داشت. مالکان نهادی هم به دو گروه تقسیم می‌شدند: ۱. املاک دولتی (خالصه) ۲. املاک وقفی. اما سومین دسته بزرگ‌مالکان، اجاره‌داران بودند. اجاره‌داران افرادی بودند که چند روستا را در فصل‌های خاصی از سال با پرداخت مبلغ معینی اجاره می‌کردند و همه درآمدهای اضافه بر میزان اجاره‌بها را به اسم سودبها صاحب می‌شدند.^۷

خرده‌مالکان هم که در سراسر مناطق روستایی ده‌ها هزار خرده‌مالک را شامل می‌شدند، به دو دسته متمایز تقسیم می‌شدند: کشاورز و غیرکشاورز. آن دسته از خرده‌مالکانی که شخصاً به کار کشاورزی اشتغال نداشتند مشتمل بودند بر بازرگانان، سرمایه‌داران، دیوان‌سالاران، آموزگاران، صاحبان حرف، مقامات روحانی

۱. بیل، جیمز. عقاب و شیر، ترجمه مهوش غلامی، نشر کوبه، تهران: ۱۳۷۱، ص ۲۱۵.

۲. امینی، پیشین، ص ۲۵۱.

۳. آبراهامیان، پیشین، ص ۳۸۶.

۴. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: اصلاحات ارضی در ایران، اطلاعات و روابط عمومی وزارت کشاورزی، ۱۳۴۰.

۵. آوری، پیشین، ص ۱۸۵.

۶. هوگلاند، پیشین، ص ۳۳-۳۱.

۷. همان.

و برخی استادکاران ماهر. اکثریت این مالکان در شهرها کار و زندگی می‌کردند و اداره امور مزارع خود را همچون بزرگ‌مالکان، به مباشرانی می‌سپردند که در روستاها اقامت داشتند. اما خرده‌مالکان کشاورز برخلاف خرده‌مالکان غایب، زمین‌شان را خودشان می‌کاشتند و در مجموع کاملاً فقیر بودند. املاک آن‌ها کوچک بود و به ندرت بیش از تأمین حداقل معاش، چیزی نصیب مالک می‌کرد.^۱

بدین ترتیب اکثر مالکان ساکن شهرها بودند و در روابط خصوصی و خانوادگی خود با بورژوازی دولتی و تجاری اختلاط پیدا کرده بودند. نیرومندترین گروه از ۴۰۰ تا ۴۵۰ خانواده تشکیل می‌شد که برخی از آن‌ها تا حدود سیصد ده ایران را مالک بودند. بر اساس یک برآورد، فقط ۳۷ خانواده نوزده‌هزار ده ایران، یعنی تقریباً ۳۸ درصد کل دهات ایران را در تملک داشتند. گروه دیگری که می‌توان آن‌ها را مالکان متوسط نامید و یک تا پنج ده داشتند در مجموع هفت‌هزار ده دیگر یا چهارده درصد از رقم کل را مالک بودند. در واقع به نظر می‌رسد فقط پنج درصد از دهقانان مالک زمینی بودند که در آن کشت می‌کردند.^۲

دیدگاه خرده‌مالکان در برابر لایحه اصلاحات ارضی

سندی که در این مقاله ارائه می‌شود، نامه‌ای از طرف عده‌ای از خرده‌مالکان برای نمایندگان مجلس سنا و شورای ملی؛ است تا هنگامی که لایحه اصلاحات ارضی، از کمیسیون خاص، تقدیم مجلس شورای ملی می‌شود به سمع و نظر نمایندگان برسد.

در این سند، ایراداتی از طرف خرده‌مالکان بر لایحه اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی وارد شده است که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. اولین ایرادی که خرده‌مالکان مطرح می‌کنند، این است که آیا لایحه اصلاحات ارضی از لحاظ قوانین موجود کشور و مخصوصاً قانون اساسی و متمم آن قابل انطباق بوده و آیا می‌توان لایحه مزبور را به صورتی که تقدیم مجلس شده است مورد رسیدگی قرار داد یا نه؟ (ص ۲ سند)

پاسخی که خرده‌مالکان به این سؤال می‌دهند این است که قانون مزبور با تمام قوانین ایران، چه از لحاظ قانون اساسی و چه متمم آن و چه از لحاظ قانون مدنی و چه از حیث اصول قضائی، قابل طرح و رسیدگی نبوده و نیست (ص ۳ سند).

خرده‌مالکان با برشمردن اشکالات قانونی لایحه اصلاحات ارضی بر اساس قوانین موجود کشور نتیجه‌گیری می‌کنند؛ لایحه اصلاحات ارضی چه از لحاظ مجوز شرعی و چه از لحاظ تعیین قیمت عادلانه و چه از حیث پرداخت قیمت، به کلی با اصل پانزده متمم قانون اساسی مغایرت دارد و اگر رعایت قانون اساسی مورد توجه قانون‌گزاران می‌باشد و مصلحت خود و کشور را در حفظ مقررات آن می‌دانند، لایحه اصلاحات

۱. همان، ص ۴۰-۳۹.

۲. هلبدی، فرد. دیکتاتور و توسعه سرمایه داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۵۸، ص ۱۱۶-۱۱۵.

ارضی به طریقی که تقدیم گردیده، ناقض قانون اساسی و کلیه قوانین مدنی ایران است (ص ۷ سند).
۲. خرده مالکان چنان که لایحه اصلاحات ارضی را قابل انطباق با هیچ‌یک از قوانین کشور نمی‌دانند، اجرای این قانون را نیز به ضرر و زیان کشور و مردم و همچنین مالک و رعیت می‌دانند و در این مورد، دلایلی را ارائه می‌کنند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱-۲. خرده‌مالکان عنوان می‌کنند که در مقدمه لایحه اصلاحات ارضی، منظور از تقدیم آن، برای تصویب به مجلس سنا و شورای ملی، دو دلیل ذکر شده است: ۱. ازدیاد تولید و بالا رفتن سطح آن ۲. تعمیم عدالت اجتماعی (ص ۸ سند).

خرده مالکان بر اساس این دو هدف لایحه اصلاحات ارضی، معتقدند که با تصویب و اجرای آن و با تقسیم اراضی به سهم‌های کوچک‌تر، این اهداف عملی نخواهند شد. زیرا ازدیاد تولید، ملازم با مکانیزه شدن زراعت و در دست بودن اراضی وسیع می‌باشد. همچنین ایراداتی که بر تعمیم عدالت اجتماعی دارند این است که، مالکان در نتیجه چند صد سال تلاش خود و پدران خود در راه ایجاد قنوات و سدها، حفر چاه‌ها و دیگر کارها برای زمین خود، زحمات زیادی را متحمل شده‌اند. آیا اکنون تعمیم عدالت اجتماعی این است که با لایحه اصلاحات ارضی، تمام زحمات خود و پدران خود را از دست داده، وضع زندگانی خود و خانواده خود را دچار هرج و مرج سازند؟ (ص ۹ سند)

راه حلی که خرده‌مالکان در این باره دارند، این است که بنا به سخنان وزیر کشاورزی، پنجاه میلیون هکتار اراضی قابل کشت در کشور وجود دارد. با تقسیم این اراضی و کمک‌های مادی و تشکیل شرکت‌های تعاونی و ایجاد سدها و قنوات و چاه‌ها هم رعایا را صاحب زمین می‌نمودند و هم اصل مالکیت را حفظ می‌کردند و از تجاوز به حقوق مالکان و اشخاص خودداری می‌کردند. بدین وسیله هم تعمیم عدالت اجتماعی به عمل می‌آمد و هم کشور از هر جهت آباد و سطح تولید کاملاً بالا می‌رفت (ص ۱۰ سند).

۲-۲. آیا با تصویب لایحه اصلاحات ارضی و با توجه به اینکه سطح معلومات و فرهنگ رعایا در درجه صفر است وزارت کشاورزی قادر خواهد بود به تنهایی قائم مقام تمام مالکان شده و از رعایایی نگهداری نماید که هیچ گونه تکیه‌گاه دیگری ندارند؟ آیا تعمیم عدالت در بین رعایا از طرف وزارت کشاورزی با وسائل کنونی فراهم است؟ آیا مالکان می‌توانند با رعایایی که سطح فرهنگ آن‌ها پایین است زندگانی و مشارکت در امر زراعت نمایند؟ (ص ۱۳-۱۴ سند)

خرده‌مالکان در پایان، با بیان اینکه ایرادات بر لایحه به قدری زیاد است که در این مختصر نمی‌گنجد، نارضایتی خود را از لایحه، این چنین بیان می‌کنند: در لایحه، موضع‌گیری که به طور محمل و مبهم تحت ماده ۳۱ عنوان شده، راجع به اختیاری است که در ماده مزبور به دولت داده شود که در ظرف شش ماه، آئین‌نامه روابط مالک و زارع را با در نظر گرفتن ارزش عوامل زراعتی تهیه و به اجرا درآورد. خرده‌مالکان تشریح می‌کنند، این ماده با وجود عنوان ساده و مختصری که در تنظیم آن به کار رفته، موجب اشکالات و زحمات فراوانی خواهد گردید. زیرا مسئله روابط مالک و زارع، در هر بخش و شهرستان و هر منطقه و استان، وضع و ترتیب خاصی دارد و از صدها سال قبل در نتیجه تجربه و عمل، طرز ثابت و مسلمی پیدا

لایحه ایرادات خرده‌مالکان بر اصلاحات ارضی / عدالت عزت‌پور

کرده که بین مالک و زارع، معمول و عرف و عادت هر محل در آن به کار رفته است. اکنون تغییر و تبدیل آن، مسئله کوچکی نبوده و به قدری مهم است که دخالت در آن دوران پُر کشمکشی را به همراه خواهد داشت (ص ۱۴-۱۵ سند).

قابل توجه نمایندگان مجلس سنا و شورای ملی

ایراداتی که بر لایحه اصلاحات وارد است

پرتال جامع علوم انسانی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

قابل توجه نمایندگان مجلسین سنا و شورای ملی

در این موقع که لایحه اصلاحات ارضی از کمیسیون خاص تقدیم مجلس شورای ملی شده است که مورد نظر و رسیدگی نمایندگان محترم قرار گیرد . و از آنجائیکه برای هر فرد علاقه مند بآب و خاک این کشور لازم و واجب است که با توجه به آزادی گفتار و عقاید که بحمداله تعالی تحت توجهات شاهنشاه عظیم الشان برای عموم موجود و فراهم است خاصه برای کسانی که غرض و نیت اصلی آنان خدمت بآب و خاک و پیشرفتی منظورهای اصلاح طلبانه شخصی ذات همایونی است که اوقات گرانبها و عزیز خود را پیوسته در راه آسایش و رفاه مردم و اعتلای کشور ایران مصروف میدارند نسبت باین لایحه مزبوره که آثار آن از خوب باید نقش عمده و مهمی را در کشور باقی خواهد گذارد و در حقیقت اثرات مترتبه بر آن برای ملت ایران تا درجه جنبه حیات و مماتی دارد نظریه و تجارب و عقاید خود را ابراز و اظهار بدارند تا بفضل خداوند متعال نتیجه مطلوب را برای مردم این کشور متضمن بوده و خدای نخواستہ ایجاد مشکلات و زحمت فراهم ندارد.

به پیروی از همین نیت پاک و بی آلایش مستدعی است بانهایت دقت و علاقه مندی بمندرجات زیر توجه فرموده و اگر چنانچه آنرا موافق با حق و قانون و عدالت و مصلحت دانستند مورد توجه قرار دهند یا اینکه نمیتوان وارد در رسیدگی بآن گردند -
۱- در مقدمه اساساً بایست توجه داشت که آیا لایحه اصلاحات ارضی از لحاظ قوانین موجوده کشور و مخصوصاً قانون اساسی و متمم آن قابل انطباق بوده و میتواند لایحه مزبوره را بصورتی که تقدیم مجلس شده است مجلسین مورد شور و رسیدگی قرار دهند یا اینکه نمیتوان وارد در رسیدگی بآن گردید.

-۳-

متأسفانه بایک نظر سطحی متوجه خواهند شد که قانون مزبور باتمام قوانین ایران چه از قانون اساسی و چه متمم آن و چه از لحاظ قانون مدنی و چه از حیث اصول قضائی قابل طرح و رسیدگی نبوده و نیست زیرا که:

اولاً بامرأه بقانون اساسی مخصوصاً متمم قانون مزبور باشکالات قانونی زیر برخورد میمائیم:

الف - اصل ۱۵ و ۲ و ۲۷ متمم قانون اساسی و اصل ۱۴ قانون اساسی بطوری که ملاحظه میفرمائید اجازه طرح و تصویب چنین لایحه را بمجلسین نمیدهد.

اصل ۱۵ متمم قانون اساسی که مینویسد: (هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمیتوان بیرون کرد مگر بامجاز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأیید قیمت عادلانه است).

و مجوز شرعی را اصل ۲ متمم قانون اساسی این طور تعریف میکند که:

اولاً در هیچ عصری از اعمار مواد قانونیه نباید مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه اسلامی داشته باشد.

در ثانی برای اینکه این اصل عملاً نیز رعایت شود مقرر داشته است بتصویب و انتخاب مراجع تقلید پنج نفر از علمای طراز اول همیشه در مجلس شورای ملی جزء نمایندگان بوده و قوانین موضوعه را باقوانین اسلامی تطبیق نمایند - در اینصورت باعدم رعایت اصل مزبور و عدم حضور علمای طراز اول در مجلس مجوز شرعی که در اصل ۱۵ متمم قانون اساسی مذکور است رعایت نشده و هر عملی در این قسمت بشود مخالف با اصل مزبور خواهد بود.

البته پس از اینکه حصول مجوز شرعی نیز بعمل آید که باشرحی که فوقاً بعرض رسید مورد پیدا نخواهد کرد - قسمت اخیر اصل ۱۵ متمم قانون اساسی لاین مقرر داشته که همان مجوز شرعی هم بایست توأم با تعیین و تأیید قیمت عادلانه باشد و مطابق آن عمل شود که متأسفانه بهیچ وجه رعایت این قسمت هم نشده و علاوه

-۴-

براینکه در لایحه اصلاحات ارضی ابدأ قیمت عادلانه در نظر گرفته نشده است حتی تأدیه قیمت نیز بمیل خود برخلاف رضایت مالکین بنحویکه دولت بخواهد آنهم در مدت ۱۵ سال مقرر گردیده است.

اولاً علاوه بر قانون اساسی در قوانین مدنی ایران نیز یکی از ارکان معامله که شرط صحت قرار داده شده است رضایت طرفین معامله است و بدون حصول رضایت هر نوع معامله محکوم بفساد است.

ثانیاً قیمت عادلانه آن قیمتی میباشد که تراضی طرفین یا طبق نظریه کارشناس مرضی طرفین تعیین شود و تاکنون شنیده نشده است که بخریدار ملکی را بخرد و خودش نیز بمیل خود تعیین قیمت کند و ضمن معامله را نیز همسوق و بهر طریق خواست پردازد آیا نام این عمل را معامله با رضایت و تعیین قیمت عادلانه میتوان نامید و آیا چنین معامله صحیح و قانونی است؟

شماره بخدا در این قسمت بدقت توجه فرمایند در ماده ۱۲ لایحه اصلاحات ارضی نسبت به تعیین میزان قیمت مینویسد «در هر منطقه که دستور تقسیم ارضی صادر شود کمیسیون ارزیابی از طرف کمیسیون اصلاحات ارضی استان تعیین که بهاء ارضی را بر نرخ عادلانه تعیین نماید این بهاء در هیچ مورد نباید از ده برابر درآمد سالیانه مالکانه تجاوز کند الی آخر». حقیقتاً عادلانه تر از این ماده و از این قیمت در هیچ دستگاه عدالتی نه مشاهده و نه شنیده شده است.

اولاً اگر با ارزیابی و به قیمت عادلانه است دیگر محدودیت آن از چه لحاظ است اگر بایست قیمت ده برابر عواید مالکانه سالیانه تعیین گردد دیگر عنوان در لایحه از اینکه «تاده برابر عوائد سالیانه» چه مفهومی دارد و این ماده چنین صراحت دارد که اگر کمیسیون ارزیابی که به تعیین کمیسیون اصلاحات ارضی انتخاب میشود.

-۵-

مایله بود که قیمت ملك را پنج برابر یا سه برابر یا يك برابر عوائد هم تعیین کند مجاز و مختار بوده و مجبور نیست که حتی همان ده برابر عوائد سالیانه را هم تعیین کنند و اجباری نخواهد داشت فقط مجبور است که از ده برابر تجاوز نکند ولی هر چه کمتر بگوید مجاز است که يك چنین قیمت عادلانه تا کنون نظیر ندارد زیرا تعیین کننده ارزیاب کمیسیون اصلاحات ارضی حد اعلاى قیمت آن ده برابر عوائد سالیانه - حداقل تا هر چه بخواهد کمتر از ده برابر و تعجب این است که جناب آقای وزیر کشاورزی در بیانات خود نیز در همه جا اظهار میدارند قیمت را تاده برابر عوائد مالکانه در سال بمالکین میپردازیم و این قیمت عادلانه است که این قیمت اساساً بهیچ وجه باهیچ منطق قانونی وفق نداده و مالکین بهیچ وجه حاضر نیستند اختیار قیمت ملك خود را بدست کمیسیون اصلاحات ارضی بگذارند که هر قیمتی را که خواست برای آنها تعیین کند و همان عنوان ده برابر نیز با این ماده بتکلی مورد پیدا نکنند و بسته بمیل کمیسیون اصلاحات ارضی باشد در این صورت که اساساً قیمت عادلانه با این وصف مورد پیدا نمیکند و اگر مجوز شرعی و قانونی هم بود غدم پرداخت قیمت عادلانه که در خود لایحه غیر عادلانه بودن آنرا بشرحی که فوقاً عرض شد تصدیق و تسجیل نموده دیگر صحت معامله بهیچ وجه مورد پیدا نکرده و نمیکند و چون فساد این نوع معامله بامجوز هیچ قانونی صحت پذیر نبوده و نمیباشد لذا بحث در سایر مواد لایحه مورد پیدا نکرده و قبلاً تکلیف این قسمت بایست تعیین کرده .

ب - اصل ۲۷ متمم قانون اساسی نیز استقرار هر قانونی را که مغایر با موازین شرعیه باشد ولو از طرف قوه مقننه نیز انشاء شود ممنوع شناخته است بنا بر این بطوریکه ملاحظه میفرمایند قانون اساسی ایران بهیچ عنوان اجازه تصویب يك چنین لایحه را بصورت فعلی تجویز ننموده است در این صورت بدیهی است

- ۶ -

وظیفه نمایندگان مجلسین که حافظ قانون اساسی و قوانین مشروطه سلطنتی ایران میباشند فرض و واجب است که نسبت بلاایحه مزبوره و تصویب آن بصورت فعلی خود داری و ترتیبی دهند که رعایت قانون اساسی و حفظ سوگندی که یاد نموده اند بعمل آید.

ثانیاً قوانین مدنی ایران که اینک یگانه قانونی است که مورد استناد مقامات قضائی و بنیاد و پایه احکامات آنان است نیز از بدو الی الختم مغایر بایک چنین لایحه بوده بلکه میتوان گفت وضع قانونی مدنی بیشتر برای جلوگیری از نظایر پیشنهاد یک چنین لوایحی است که مبنای قضاوت عادلانه را خراب و بنیان آنرا بسکلی ویران خواهد نمود.

زیرا تمام فصول و ابواب قانون مدنی ایران و تمام احکامات مندرجه در آن از کلیه عقود و معاملات و ایقاعات و تعهدات و الزامات و تمام مبانی قانونی که برای حفظ حقوق افراد و اشخاص بر یکدیگر میباشد باین لایحه اصلاحات ارضی و تصویب آن بکلی مضمحل و کان لم یکن خواهد شد و دیگر هیچ مالکی نمیتواند بمالکیت خود اعم از املاک و مستغلات و اشیاء و غیره مطمئن شده بلکه با وضع قانون آنرا قابل تزلزل شناخته و نمیتواند بر مبنای مالکیت خود طرز زندگی خود را پایه گذاری نماید در این صورت ملاحظه خواهند فرمود که تصویب یک چنین لایحه تاجه حد بمقدرات و زندگی و وضع مردم مغایر بوده و ایجاد هزاران هرج و مرج در امورات و قوانین مدنی ایران خواهد نمود.

ثالثاً - با وجودیکه قیمت املاک در هر استان و محلی متفاوت است و مأخذ قیمت از نیست برابر عوائد تا صد برابر عوائد (بسته بمحل وقوع ملک) میباشد زیرا ثنثها قیمت ملک بمواعد و محصول نیست بلکه به سرمایه های کلانی است که در آن بکار رفته که این سرمایه ها شامل ساختمان ها فنوات باغ و نهر و زه کشی

-۷-

و انواع ماشینها و تأسیسات که چند برابر خود ملک برای مالک تمام شده آیاتعمین قیمت آنها تاده برابر عوائد و تازه آنها نیز بر اصل مالیات قرار دادن این عمل عادلانه خواهد بود و آیا اشخاص که سرمایه و زندگی خود را صرف آبادانی و کشاورزی نموده و حاضر نشده اند این سرمایه را در راه سفته بازی و زمین‌خوری و استفاده نامشروع بکار اندازند گناهی مرتکب شده اند که حالا بایست ملک خود را که یگانه وسیله معیشت آنهاست از دست بدهند و میشود نام این عمل را قیمت عادلانه بارضایت مالک نامید و آیا جز بوسیله کارشناس مرضی الطرفین میتوان قیمت واقعی املاک را تعیین نمود که تصور میکنم جواب این سؤال منفی بوده و میباشد.

بنابراین لایحه اصلاحات ارضی چه از لحاظ مجوز شرعی و چه از لحاظ تعیین قیمت عادلانه و چه از حیث پرداخت قیمت بکلی با اصل ۱۵ متمم قانون اساسی مغایرت داشته و اگر رعایت قانون اساسی مورد توجه قانون‌گذاران میباشد و مصلحت خود و کشور را در حفظ مقررات آن میدانند لایحه اصلاحات ارضی بطریقیکه تقدیم گردیده ناقض قانون اساسی و کلیه قوانین مدنی ایران است و موافقت آقایان نمایندگان با تصویب منفی یا سوگندی است که طبق اصل ۱۱ قانون اساسی یاد کرده اند.

بنابراین تصدیق فرمایند عدم دقت و توجه بمعایب و نتایج مترتبه بر تصویب یک چنین لایحه از طرف نمایندگان محترم تاچه اندازه ممکن است برای افراد این کشور ایجاد زحمت و مشکلات نموده و وضعیت زندگی آنانرا دگرگون و بحقوق فردی و اجتماعی تاچه حد لطمه وارد خواهد ساخت و بدیهی است نمایندگان محترم ارضی نخواهند شد با تصویب لایحه مزبور ملک و زمین را دچار بلا تکلیفی و قوانین اساسی و مدنی ایران را که بر اصل قانون مقدمه شرع انور است دچار تزلزل

و بی اعتباری نمایند. هر چند بشرحیکه فوقاً بعرض نمایندگان محترم رسید لایحه اصلاحات ارضی قابل انطباق باهیچیک از قوانین موضوعه مملکتی نبوده و نیست و بدیهی است این قسمت مورد توجه آقایان محترم بوده و هست و بوظیفه وجدانی و قانونی خود عمل خواهند فرمود ولی برای اینکه توجه فرمایند اساساً در لایحه مزبوره که دارای صدها نقص پیش بینی نشده میباشد اجرای آن تاچه حد ضرر و زیان کشور و مردم و مالک و رعیت میباشد توجه به مراتب معروضه زیر نیز مورد تقاضاست.

اولاً - در مقدمه لایحه اصلاحات ارضی منظور از تقدیم آنرا برای تصویب به مجلسین بدو جهت ذکر نموده است یکی از دیاد تولید و بالا رفتن سطح آن و دیگری تعمیم عدالت اجتماعی.

مستثنائاً به با توجه و دقت در مقدار لایحه مزبوره مشاهده خواهد شد که هیچیک از دو منظور فوق با تصویب و اجرای این لایحه عملی نخواهد شد زیرا از دیاد تولید ملازمه با مکانیزه شدن زراعت و در دست بودن اراضی وسیع بوده و تحدید مالکیت که مفهوم آن این است املاک بسهام کوچک تبدیل گردد مخالف با عمل و اجرای امر مکانیزه بوده و بدیهی است هر مالکی برای حد نصاب مختصری که در لایحه مزبوره برای او منظور شده است حاضر نیست اقدام به مخارج عمده از قبیل خریدن تراکتور و کمپاین و تعمیر قنوات و احداث قنوات جدید و بستن سدهای کوچک و کندن چاهها و غیره که هر یک مستلزم مخارج هنگفتی است نماید زیرا اراضی مقرر در حد نصاب مذکور کافی نبوده و قابل برای تحمل این قبیل مخارج و خسارات نیست و بلکه کسانی هم که تراکتور و غیره خریداری و تحمل مخارجاتی برای مکانیزه شدن املاک خود نموده اند عملیات خود را متوقف و وسایل مزبور

را بفروشن رسانیده و دلسرد و بدون توجه بعمل کشاورزی در طرق دیگر مشغول و توجه خود را از زراعت و آب و زمین منحرف و منعطف می‌سازند در نتیجه فنوات و انهار خراب و سطح تولید نقصان خواهد یافت. با این حال بدیهی است منظور دولت که بالا بردن سطح تولید است نه تنها از این لایحه حاصل نخواهد شد بلکه نتیجه معکوس از آن حاصل خواهد گردید و رعایا نیز بدبخت و پریشان و بشهرها متفرق شده بدون سرپرست و تکیه گاه خواهند شد. کما اینکه در ممالک متحده امریکا به نقصی و اشتباه تقسیم اراضی بمالکیت‌های کوچک و جزئی پی برده و علاوه بر تشکیل شرکتهای بزرگ فلاحتی، اشخاصی هستند که دارای هزارها و ده‌ها هزار هکتار اراضی زراعتی بوده و کسی مانع آنها نیست. با این حال تصدین فرمایند این عمل مخالف با بالا رفتن سطح تولید است بلکه معکوساً نتیجه خواهد بخشید.

واما در قسمت دوم از منظور دولت در لایحه اصلاحات ارضی، تعمیم عدالت اجتماعی ذکر شده است. در این قسمت نیز متأسفانه عدالت اجتماعی با مقررات این لایحه نه تنها تعمیم نیافته بلکه میتوان گفت لایحه مذکور مخالف با عدالت اجتماعی و تعمیم آن است. زیرا به‌اینکه در کشور ایران بنا بر گفته خود جناب آقای وزیر کشاورزی پنجاه میلیون هکتار اراضی قابل کشت موجود است که این مقدار علاوه بر شش میلیون هکتاری است که فعلاً زیر کشت میباشد و تنها در خوزستان اراضی مستعد کشت بقدری زیاد است که قابل گنجایش چند میلیون جمعیت را دارد و اگر از طرف دولت توجه بعمل آید نه تنها محصول آن کافی برای اهالی این کشور است بلکه مقادیر زیادی نیز برای صدور خواهد داشت و همچنین در استانهای دیگر که اراضی قابل کشت موجود بوده و بامختصر توجهی که از طرف دولت بعمل آید بجزئی

-۱۰-

نمی‌توان گفت که بقدری اراضی قابل کشت زیاد بوده که عده کشاورزان فعلی را نه تنها نمی‌توان زمین داد بلکه احتیاج بطبقه کشاورز و زارع نیز خواهد داشت با این حال سؤال می‌کنم آیا عدالت اجتماعی حکم می‌کند که مالکینی را که در نتیجه چند صد سال زحمات خود و پدران خود و با پشتکار و تحمل زحمت و مشقت و خسارت که در راه ایجاد قنوات بستن سدها و حفر آنها و چاهها و هزاران بدبختی‌های دیگر و زحمات زیادی که در راه حفظ رعایا و زارعین از تجاوزات دیگران متحمل شده اند تا اینکه برای خود و اولادان خود که در آتیه اعمال آنها را تعقیب کنند اراضی آباد و مزارع و قنوات و اشجار و انهار ایجاد نموده حالا تعمیم عدالت اجتماعی این است که با مر دولت بایک قیام و قعود نمایندگان محترم تمام هستی و زحمات خود و پدران خود را از دست داده وضع زندگی خود و خانواده گوی خود را بر باد داده دچار هرج و مرج سازند و نام آنرا تعمیم عدالت اجتماعی بگذارند و آیا بهتر نبود با استفاده از فرمایش وزیر محترم کشاورزی پنجاه میلیون هکتار اراضی قابل زراعتی را بین رعایا و کسانی که مایل هستند تقسیم نموده و با کمک‌های مادی و تشکیل شرکت‌های تعاونی و بستن سدها و احداث قنوات و چاهها هم رعایا را صاحب زمین مینمودند و هم اصل مالکیت را حفظ و از تجاوز بحقوق مالکین و اشخاص که در تمام قوانین ایران نهی صریح شده است خود داری می‌فرمودند تا بدین وسیله هم تعمیم عدالت اجتماعی بعمل می‌آمد و هم رعایا صاحب زمین و آب شده و کشور نیز از هر جهت آباد و سطح تولید کاملاً بالا میرفت .

بنابر این بشرحیکه عرض شد لایحه اصلاحات ارضی مخالف با هر دو منظوری است که در مقدمه لایحه برای علت تقدیم آن ذکر شده و نه سطح تولید با این لایحه بالا خواهد رفت و نه تعمیم عدالت اجتماعی بعمل خواهد آمد .

ثانیاً - این نکته نیز قابل توجه است که اساساً به بینیم این قانون شامل

-۱۱-

چه اشخاصی و کدام مالکین خواهد شد زیرا مالکین بدو دسته منقسم هستند . . .
يك دسته مالکین بزرگ هستند که دارای چندین قریه و مزرعه و هزاران
هکتار اراضی میباشند و عایدات سالیانه آنها چندین هزار خروار محصول است
خوشبختانه عده این اشخاص از بیست نفر تجاوز نمیکنند و برای دولت کار آسانی بود
که نسبت باین قبیل مالکین (که خود آنها نیز حاضر هستند) کنار آمده و تریبی
برای خریداری املاک آنها به قیمت عادلانه و با جلب رضایت آنان بوسیله فروش
کارخانجات و غیره داده املاک آنها را تقسیم مینمود . . .
و اما دسته دوم مالکینی هستند که آنها را میتوان مالکین متوسط یا خورده
مالك نامید کسانی هستند که اکثریت املاک مزروعی ایران را این دسته مالکین
جزء یا خورده مالك تشکیل میدهد و اگر لایحه اصلاحات ارضی بگذرد عمده
سنگینی بار قانون و سوء نتایج حاصله از آن متوجه این اشخاص و این دسته مالکین
خواهد شد .

درباره این دسته از مالکین از نظر دولت این است که کشاورزی ایران
مکانیزه شود و از حال رکود خارج گردد و سطح تولید بالا رود تنسیم املاک بقطعاتی
جزء مختلف این منظور است زیرا بطوریکه فوقاً عرض شد تقسیم املاک این دسته
مالکین بقطعاتی کوچک و جزء مخالف با ازدیاد سطح تولید خواهد شد و آنها
را از عملیات عمرانی که خوشبختانه - در این چند ساله اخیر که وسایل کشاورزی
جدید در ایران معمول گردیده ملاحظه فرمایند اینهمه تراکتور و کمباین که
خریداری شده آیا جز از طرف مالکین مزبور بوده که با فرض وتعهدات و اقساط
اقدام بخرید نموده و رونقی بکار کشاورزی داده و با کمک محدود مختصری که
وزارت کشاورزی در راه اصلاح بذر و دفع آفات و خرید ماشین زراعتی فراهم نمود
بسیاری از اراضی بائر را دائر نموده اند و جنب و جوش بی سابقه در امر کشاورزی

-۱۲-

پدیدار گردیده و در نتیجه سطح تولید کشاورزی بالا رفته است. آیا در چنین وضع و موقعیتی دور از مصلحت نیست که بدون مطالعه کافی وضع موجود که هر ساعت روبه پیشرفت می رود آشفته و درهم کنیم بدون اینکه قبلاً سازمان مناسبی داشته یا تهیه نموده باشیم و در کشوری که مطابق شرع و عرف اساس مالکیت محترم است با اوضاع و احوال موجود نمیتوانیم از مالکی سلب مالکیت کنیم بعنوان اینکه وظایف اجتماعی خود را انجام نداده و او را گناهکار بدانیم زیرا نه دولت برای او برنامه و وظیفه تعیین کرده که در انجام آن تعلل نموده باشند نه وسائل لازم با اختیار او گذارده و نه ایجاد سدها و تأسیسات آبیاری نموده و نه بانک کشاورزی و نه شرکتهای تعاونی تشکیل داده که مالکین از آن استفاده نموده باشند.

مالك بیچاره مزرعه یا اراضی را از پدران خود باریت برده یا در نتیجه معاملات و جیبی بدست آورده اراضی خریده مشغول زراعت و احداث قنات و چاه و تهیه وسائل دیگر نموده و بخیال خود شغل شریف کشاورزی را که از او لقمه نان حلالی بدست میآید برگزیده.

آیا سزاوار است املاك يك چنین مالکی را از چنگش در آورند و او را گناهکار تشخیص داد و از کار و کرده خود پشیمان نمود که چرا نرفته است با پول خود زمین خری و در شهرها و یاسفته بازی و شرخری و غیره نماید تا هم فایده های عمده برده و هم حالا دست بسته تمام املاك او را طبق لایحه تقسیم نکنند و برای مدت پانزده سال آنهم ب قیمتی که میخواهند با صدی سه فرع پول او را بدهند و حال آنکه غالب همین املاك در رهن بانگها و اشخاص و تا صدی ۲۴ فرع آنرا میدهند. آیات اکنون شعبده شده است که مالکی بتواند از استفاده زراعتی عمارت چند

-۱۳-

طبقه در تهران یا شهرستانها بنا نماید اگر یکی از این عمارت رانشان دادید که مالکی از عمل کشاورزی خود ساخته باشد تمام این قبیل عمارات با پول معامله گران و زمین خواران و سفته بازان ساخته شده و مالکین همیشه از بهترین خدمتگذاران باین آب و خاک بوده اند که تمام هم آنها مصروف باین امر بوده است که با بالا بردن سطح تولید از راه شروع کشاورزی خود و رعایا دیگران منتفع گردند بنابراین معلوم نیست تقصیر این دسته از خدمتگذاران چیست که بدون جهت میخواهند آنها و عائله و خانواده آنها را دچار بدبختی و پراکندگی نمایند. خوشبختانه همیشه در ایران مالکین بودند که از تفرقه و پراکنده شدن رعایا و تلف شدن آنها جلوگیری نموده اند نه دولتهای وقت و یا مراجع کشاورزی هر وقت گاوی از رعیت میمیره مالکین یا آنها گاو میدهند مساعده میدهند در سنوات قحطی و سائل زندگی آنها و عائله آنها را فراهم مینمودند خوراک و پوشاک بآنها میدهند همیشه زارع بمالک مقروض بوده ولی مرض بدون نفع و سود (عند القدرت والاستطاعه) ولی همان مالک بدبخت از اشخاص و مؤسسات با صدی ۲۴ فرع پول قرض مینموده و بر رعایا میدادیم است همیشه مالکین رعایا را از تجاوزات که همیشه از طرف مراجع قدرت و زور نسبت بآنها اعمال میشده محفوظ میداشته و هر روز در دوائر و مقامات مشغول بودند برای رفع تعدی از آنان بوده اند. بنابراین آیات تصویب این لایحه و با توجه باینکه سطح معلومات و فرهنگ رعایا در درجه صفر است وزارت کشاورزی قادر بوده است و میتواند یک تنه فائز مقام تمام مالکین شده از رعایائی که هیچگونه تکیه گاه دیگری ندارند نگهداری نماید و آیات تعمیم عدالت در بین رعایا از طرف وزارت کشاورزی با وسائل فعلی فراهم است که هر روز رعایا بوسیله مورد تجاوز قرار میگیرند بدان وسیله جلوگیری نماید و آیات مالکین یا رعایائی که سطح فرهنگ آنها ایندرجه نازل است میتوانند نازل گاه

-۱۴-

و مشارکت در امر زراعت نماید؟ که تصور میکنم جواب تمام این سئوالات منفی است. بعلاوه باز نظر اینک که سطح فرهنگ و معلومات زارعین پائین است شرکت آنها بامالک در امور مشترک و مخارجات لازمه زراعتی غیر ممکن بوده و در نتیجه قنوات و انهار خراب و عمل زراعت مشترک بواسطه بروز اختلاف و بدون سرپرست بودن رعایا دچار اختلال میگردد. هر چند با این شروحنی که بعرض رسید منظور نبوده که واره تمام ایراداتی و اعتراضاتی که بر اصل لایحه اصلاحات ارضی تقدیمی بمجلس وارد است بشویم زیرا ایرادات بر لایحه بقدری زیاد است که در این مختصر مورد پیدا نمیکند از قبیل عطف بماسبق نمودن لایحه که مخالف با مقررات بوده و حق سلب فروش مستقیم خود مالک بر عیال و دیگران و اخذ قیمت در مدت ۱۵ سال و عده که البته خود نمایندگان مختصم متوجه بوده و خواهند بود ولی چون قسمتی که قبلاً بعرض میرسد یکی از مهمترین اشکالات را ایجاد کرده لازم است مختصر زیر را در این قسمت بعرض برسانم. در لایحه اصلاحات ارضی موضوع گیری که بطور محمل و مبهم تحت ماده ۳۱ عنوان شده است راجع باختیاری است که در ماده مزبوره بدولت داده شود که در ظرف مدت شش ماه آئین نامه روابط مالک و زارع را با در نظر گرفتن ارزش عوامل زراعتی تهیه و بمعرض محمل بگذارند. متأسفانه این ماده با وجود عنوان ساده و مختصری که در تنظیم آن بکار رفته بقدری بغرنج و موجب اشکال و زحمت است که حتی بر آن متصور نیست اقدام بدون مطالعه فوجیات اشکالات و زحمات فراوانی خواهد گردید زیرا مسئله روابط بین مالک و زارع که در هر بخش و شهرستان و هر منطقه و استان کشور وضع و ترتیب خاصی دارد از صدها سال قبل الی کنون در نتیجه تجربه و عمل طرز ثابت و مسلمی

-۲۵-

پیدا نموده که بین مالک و زارع معمول و عرف و عادت هر محل در آن بکار رفته است و تغییر و تبدیل در شرایط آن بایست اذعان نموده که مسئله کوچکی نبوده و نیست و بقدری مهم است که دخالت در آن یک دوران کشمکش و زحمت را شروع خواهد نمود بنابراین با وجود قواعد و قوانین ثابت طبیعی که در اثر زمان و تجربه در روابط بین مالک و کشاورز و زارع ایجاد شده است و با وجودیکه دولت بوسیله این لایحه رعایا را نیز مالک خواهد نمود بحث و گفتگو در تغییر این قسمت و شرایط آن تصور میکنم برخلاف مصلحت و موجب بروز اختلاف خواهد بود بنابراین یکی از سواد این لایحه که بهیچ وجه با تجربه و سوابق تطبیق نشده است همان ماده ۳۱ میباشد که یقین است نمایندگان در الغاء آن اقدام خواهند نمود.

بنابراین بطوریکه فوقاً بعضی رسانیده شده است که در آتیه با تصویب این لایحه پیش خواهد آمد میفرمودند معایب غیر قابل انکاری که این لایحه در وضع عمومی کشور در اصول قانونی و قضائی - در مراحل عمرانی و آبادانی و کشاورزی - در روابط بین دو طبقه مالک و زارع و اختلافاتی که در این زمینه پیش آمد خواهد نمود - در لطامات و صدماتی که بخانواده های محترم در نتیجه یک چنین لایحه مخصوصاً نسبت بموضوع قیمت وارد خواهد شد - در اشکالاتی که در راه پرداخت قروض و معاملات املاک پیش آمد خواهد کرد - در ایجاد مضیقه و سختی که برای یک عده بزرگ از طبقه مالکین در نتیجه جلوگیری از معاملات املاک که یگانه سرمایه آنهاست تا مدت نامحدودی که انتهای آن معلوم نیست (زیرا ابتدای آن هم معلوم نمیشد) فراهم خواهد گردید - در عدم توجه به عمران و آبادی و خرید و سائل جدید کشاورزی و خرید و سائل جدید کشاورزی و احداث قنوات و انهار و چاهها که بعداً باید بعمل آید خلاصه از هر جهت ملاحظه و برای العین

-۲۶-

بگردن دارندش یا تشریح معایب و مفسدات آن از عملی که در آتیه موجب بدبختی و فلاکت مالک و رعیت و بالنتیجه عموم مردم خواهد بود خودداری و وظائف ملی و قانونی خود را انجام نادر پیشگاه خداوند و ملت ایران ماجور و سربلند باشند باقی بسته به نظر مبعوثان و برگزیدگان ملت است که تصمیم خود را اتخاذ فرمایند.

زطر و سید علی حسینی